

هو

شرح

# شجره نامه مبارکه

مطبوعه مطبع مصطفائی کبیراواره گل بی بی علی



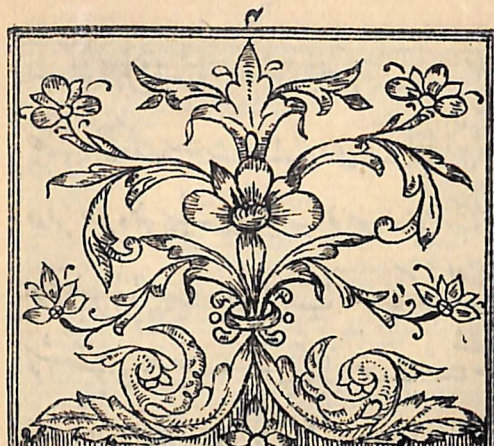
### بنام مقصود عالمیان

پاس و ستایش یگانه محبوب فردی نیاز الاله  
و سزا است که رجای این بنده ذلیل ناخیز را بعضی  
وجود اجابت فرمود در سینه هزار وسیع و بیست  
فانی در ساحت اقدس مشرف بودم روزی از حضرت  
زین المقرمین و جناب آقا محمد رضا قناد و جناب آقا  
میرزا محمود کاشانی رجای شجره نامه مبارکه جمال

مبارک

مبارک جلّ ذکره و ثناء نمودم حضرات مراتب  
بمخبر مبارک حضرت مولی الوری عبدالبهاء برحق  
فداه معروض داشتند در جواب فرمودند بجناب میرزا  
ابو الفضل نبویید لهذا حسب الامر مبارک رضیه  
بواشنگتون عرض شد جوابی که از حضرت متصاعد  
الله ابو الفضل گلپ یگانی بغانی خسرو جان نرسیده  
رسیده است اینک محفل خیریه بهائیان بمبئی بمبئی  
و گاهی طاهره احبای الهی طبع نموده امید آنکه احبای طهره  
نیز اصل شجره نامه مبارکه را در بلده نور بسیند  
و عاشقان جمال جانان منتشر نمایند





بسم الله ذي العظمة والاحلال

روحی لمجتک الفدا شرحی در خصوص مشرف شدن  
فارسیان بدین بهائے آئین و استعدای برادر  
مهربان خسرو بهمان در بیان نیاکان جمال رحمت رفو  
نموده بودید جسیبی الانفهم این فانی در ایامیکه  
طهران بود بین بعضی از دوستان در تفسیر شعر  
ابی عبد الله شملغانی گفتگوئی واقع شد و آن شعر اینست

یا

یا طالب امن بیت نامی و جاهد امن بیت کسروی  
قد قاب فی نسبتہ اعجمی فی الفارسی بحسب الترتیب  
و این شملغانی در سنه هزار و دویست و هشت  
در بغداد با مرابن مقله که از مشاهیر و زرای بنی عباس  
بود کشته شد خلاصه بعضی شعر مذکور را بشارت  
ظهور نقطه اولی جیل ذکره الاعلی دانستند زیرا  
فارسی که در شعر واقع است مصادق لفظ شیرازی  
گرفتند و بعضی دیگر آن را بشارت ظهور جمال قدس  
ابهی جلت عظمه دانستند چه که شملغانی منکر شده که  
ظهور حضرت موعود از بیت بنی هاشم باشد و بصراحت  
خبر داده که آن نور ابهی طلعت نور از بیت کسری  
طالع شود پس ثابت است که مقصود بشارت ظهور  
جمال قدم است نه حضرت باب اعظم و چندی قبل



از این فقره نیز عبارت کتاب دستیر بنظر این فقیر  
رسیده بود که فرموده و اگر ماند از محین چرخ یکیم  
بر انکیزانم از کسان تو کسی را و آب و آیین را باورم  
و پیغمبری و پیشوایی از فرزندان تو برگیرم و در س  
بش رات وارده در کتب پارسیان نیز فانی خط  
نمود که بصراحت وارد شده که اینم و هست پس از  
گذشتن هزار و دویست سال و اندی از ظهور دین اسلام  
ظاہر شود یعنی قبل از آنکه تاریخ ظهور اسلام بیک هزار  
و سیصد سال برسد آن نیز تا بنای آن مطلع  
پاک طالع کرد خلاصه باین ملاحظات فانی اذعان  
نمود که سلسله نسبت عالمه نوریه بسلاطین فرس اولی  
منتهی شود و بناء علی هذا مقصود ملک فانی در شعر مذکور  
ظهور جمال اقدس اهی باشد نه ظهور نقطه اولی و

چون وثوق باین تصور بدون شهادت تاریخ معقول  
نبود ناچار در تحقیق این سلسله تاریخ طبرستان  
رجوع نمود زیر ابعقاد مورخین پس از غلبه مسلمین  
بر فرس و انقراض دولت ساسانیة بعضی از امیرزادگان  
فرس بر بلاد مازندران استیلا یافتند و چند سلسله ملوک  
از سلاله این طبقه مدتها دیده در آن بلاد سلطنت کردند  
از قبیل بادوستانیان که پس از خروج یزدجرد شهریار  
از عاصمه ملک بشری که در حبیب التیر مذکور است بران  
مستول شدند و آن ملک از تسلط عرب محفوظ ماند  
و مقرر حکمرانی بادوستانیان مدینه آل مدینه بارفرو  
و کابل و بلاد مرکزیه طبرستان بود و سلا بعد نسل  
امارت آن بلاد باین سلسله تعلق داشت و از جمله  
ملوک طبرستان آل زیاد است که اول ایشان



مرد و او بیج بن زیاد بود در سنه ۳۱۵ هجری بر تنه امارت رسید  
 و باندک زمانه در سلطنت بلاد طبرستان استقل  
 یافت و تقریباً یکصد و شصت سال در بیت آل زیاد  
 پائید و مقرر حکومت این سلسله مدینه کرکان یعنی جرجان  
 بود و نسبت ایشان بآل ساسان میرسد و شجر  
 ایشان عنصر المعالی کاوس بن وشمگیر مرد و بیج بن زیاد  
 دلیلی است که الی زمانه اکتاب قابوس نامه اش که  
 بعبارتی بس فصیح و متقن در نصیحت فرزندش کیلان  
 شاه تألیف فرموده است مشهور جمیع آفاق است  
 و مقبول اذواق رائف علمای علم حنلاق و اجلیه  
 ملوک طبرستان پیچیدان مازندرانند و این سلسله  
 را مورخین ملوک حقیقی مازندران دانند و زرادشتیان  
 را بانوشیروان عادل رسانند و محل اقامت

و تختگاه امارت این سلسله غالباً بحال نورو کجور بوده  
 و هر امیری از امرای این طبقه با خدا و اولاد و قلاع این  
 بلاد اقامت مینموده است و اهلای طبرستان چیر  
 صنف رعیت و یار باب ملک امارت برداشت  
 زردشتیه باقی بودند تا آنکه در قرن ثالث هجری  
 داعی کبیر حسن بن زید علوی بر بلاد طبرستان  
 استیلا یافت و بنجم دولت علویه زیدیه از بلاد  
 شرقیه طالع شد در این وقت اهلای  
 طبرستان از صغیر و کبیر و غنی و فقیر بدون جبا  
 و اکراه بتبایید این امیر کبیر بشراف اسلام مقرر  
 شدند و بخت ائمه هدی درند هب زیدیه معروف و  
 مشهور گشتند و امارت درین سلسله متوارث بود  
 تا طایفه بنجم دولت صفویه که امارت طبرستان



بامیر شحیر آقا رستم روز افزون تعلق داشت و او  
 از قبول ریاست شاه اسمعیل نکول نمود و باین  
 جهت رشته امارت این سلسله انقضای یافت و  
 جمیع این امراء بحسب ائمه هدی در عایت و ترویج عجم  
 و علماء معروف بودند و کبار علماء با ستم سلطین  
 کرکان و طبرستان کتب نفیسه تألیف نموده و اکابر  
 فصحاء و شعراء قصاید غراء در مدح سپهبدان مازندران  
 نظم فرموده اند از جمله منوچهری شاعر مشهور که از  
 شعرای قرن چهارم اسلام است مداح فلک المعالی  
 منوچهر بن شمس المعالی قابوس بن وشمگیر بوده است با هم  
 تخلص مینموده و کذلک خاقانی معروف قصاید غراء  
 در مدح سپهبدان مازندران نظم نموده و ظهیر فاریابی  
 مشهور با آنکه مداح متملق قزل ارسلان و متصلب

در مذہب تن بوده است و یکی از قصائد بمجدوح خود  
 قزل ارسلان معروف داشته شاید که بعد مدت  
 سی ساله در عراق ناظم هنوز خضر و مازندران و در  
 دور قصیده دیگر تعریضاً میگوید

غرم آن کرده ام که بچشم	سوی مازندران عنان سفر
که بوجه معاش نشیند	حب بو بکر و دوستی عمر

و خلاصه عرض آنکه چون مندی این تقریبات را  
 در تاریخ دید و ثوق یافت که شاید فانی بتواند  
 درست در نیاکان سدره منتهی و جمال اقدس الهی  
 بدست آورد تا اینکه برخی از اهل وثوق مذکور داشتند که  
 رضاقلین خان ملقب بامیر الشعراء در کتاب نثر ادبیه  
 مذکور داشته که نسبت سلسله علیّه نوریّه بملاک  
 نوشیروان منتهی میشود فانی ملاحظه نمود که در صورت



صحت این مستندی وثیق است چه که هدایت  
 با وجود انغماس در بحر ضلالت از مشایخ مورخین  
 ایران است و کتاب روضه الصغای ناصری از آثار  
 دوست که سالها زحمت کشیده و منظم و ترتیب کتاب  
 تعمیر را بدون اذن مؤلف سمت تبدیل تفسیر  
 بخشیده است و ثانیاً هدایت از اعدای امر الهی است  
 چنانکه مخزفاتی که در ملحقات روضه الصغای تالیف  
 طبع نموده و بحق کوی وقاحت را در خستلاق و  
 خست از مؤلف ناسخ التواضع ر بوده است  
 بر صدق این عرض شاهی واضح است در این  
 صورت معلوم است که اگر در انتساب عائله  
 مقدسه نوریه بنجر و عادل نوشیه و انشکی  
 و ربی بود او هرگز نمی نوشت و معروف نمی شد

و از حسن اتفاق در آن ایام در بیت یکی از اکابر  
 مقیمین طهران فدوی را با مرحوم مبرور جناب  
 حاج میرزا رضا قلی اتفاق ملاقات افتاد  
 صاحب بیت با شاه فانی از ایشان استغفار  
 نمود که نسبت شما سلسله نوریه بکدام یک از علما  
 شهبیره ایران منتهی میشود جناب حاجی میرزا  
 رضا قلی منبر مودند به یزد در شهریار صاحب  
 مجدد جو یاشد که در این خصوص مستندی مکتوب  
 هم در دست هست و یا آنکه لساناد میسران اکابر  
 سلسله مذکور و محفوظ است منبر مودند به  
 نسب نامه در دست هست که منبر و افراد  
 اسماء و رسمها و شغل ترجمه هر یک از ابا  
 و اجداد این سلسله در آن مذکور است و اسم



هر يك تا برسد يزد و جرد شهر يار مضبوط و مسطور  
 و از كلام ايشان چنين مستفاد مي شد كه نسخ اين  
 نسب نامه متعدد است و نزد هر يك از كبا رسل  
 و بني اعمام ايشان موجود و با جمله چون اين مستند  
 بهست آمد فاني عريضه بسات اقدس ابي معروض  
 داشت و صورت اختلاف آراء را در مقصد شملخاني  
 با بشارت نبويه ملت فارسيه و شواهد تاريخيه در  
 آن عرض نمود لوح امنع اقدس اعلى كه تاريخ آن  
 ۲۹۹ شعبان ۱۲۹۹ بود در جواب وصول يافت در  
 آن لوح مقدس در خصوص مقصد از شعر شملخاني  
 اين بيان از قلم رحمن نازل شده بود  
 قوله جل ذكره و ثنا يا ابا الفضل قد منطقت باحق  
 و اظهرت ما كان مسطورا في كلمات الاله اخروا زلف

در همان سنوات جناب استاد جوان مرد رئيس مدرسه  
 فارسيان يزد و مدرّس ايشان كه از كبا رسل  
 فارسي محسوب بود عريضه بسات اقدس معروض  
 داشت و از نسب مبارك استفسار نمود و در  
 جواب لوح مبارك شير مرد عترت زول يافت  
 در آن لوح اقدس نازل شده است انچه خلاصه  
 آن اين است كه در خصوص نياكان پاك نهاد پرش  
 نموده بوديد ابو الفضل گلپايگاني عليه بهاني در اين  
 باب از نامه هاي آسماني نوشته انچه كه آگاهي بخشيد  
 و بر بينايي ميغرايد انهي چون اصل لوح مبارك  
 حاضر نبود خلاصه آن عرض شد باري اين خلاصه  
 رساله بود كه فاني در بيان نسبت عالمه مبارك  
 تاليف نموده بود و لي چون در يوم ۸ شهر ربيع الاول



سینه هزار و سیصد و هجری قمری و جمعی از آقاها  
 بامرئیس السلطنه کامران میرزا در طهران مأخوذ و شتند  
 جمیع کتاب و نوشتهجات اینفانی بتاراج رفت لذا  
 مسوده این رساله نیز بدست اعدافت و محفوظ  
 شد و لے اگر ممکن باشد باحبای مازندران مرقوم دارند  
 ایشان نسب نامه را بدست آورده بتوسط تجار فارسی  
 که در مازندرانند بجهت آن محبوب ارسال دارند  
 اهل است خدمت و دوستان آن ارض عرض  
 خلوص و تحیت ابلاغ میدارم ادام الله ایام عزکم  
 و محبکم ۱۰ شهر ربیع الثانی سنه ۱۳۲۱ بوفضل کلیان